

مشارکت و نقش زنان در حقوق بین‌الملل محیط زیست

دکتر محمدحسین رضانی قوام‌آبادی*

استادیار دانشکده‌ی حقوق، دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

بررسی تلاش‌های سازمان ملل متحد، در دو حوزه‌ی افزایش حقوق زنان و نگاه‌داری از محیط زیست، گویای اهمیت بسیار زیاد مشارکت زنان در گستره‌ی بین‌المللی است. نقش‌دهی به زنان و سازمان‌های غیردولتی آنان، در نگاه‌داری از محیط زیست و دست‌یابی به توسعه‌ی پای‌دار، اهمیتی به‌سزا دارد و به همین دلیل، اسناد گوناگون بین‌المللی، مشارکت این بازی‌گران را مورد شناسایی قرار داده‌است.

پژوهش پیش رو، در پی مطالعه‌ی جای‌گاه زنان در بخشی از حقوق بین‌الملل عمومی، یعنی شاخه‌ی حقوق بین‌الملل محیط زیست، و خواستار نشان دادن دگرگونی‌های بین‌المللی درباره‌ی مشارکت زنان، به عنوان یکی از بازی‌گران مهم و حیاتی در حقوق بین‌الملل محیط زیست است.

واژگان کلیدی

زن؛ محیط زیست؛ توسعه‌ی پایدار؛ سازمان ملل متحد؛ اعلامیه‌ی ریو؛ دستور کار ۲۱؛

واژه‌ی محیط زیست به محلی گفته می‌شود که آدمی را در بر می‌گیرد و محور قرار دادن انسان در این تعریف، نخستین چیزی است که توجه ذهن را به سوی خود می‌کشد. از نظر تاریخی، روی‌کردهایی متفاوت نسبت به محیط زیست وجود دارد، که می‌توان آن‌ها را در سه گروه دسته‌بندی کرد (کیس و بوریه^۱ ۲۰۰۴):

۱ **روی‌کرد انسان‌محوری محض و سخت^۲** - روی‌کرد بهره‌برداری فوری از منابع طبیعی است. در این روی‌کرد، نگاه انسان به محیط زیست، تنها برای رفع نیازها و بهره‌ی اقتصادی از آن است و حتا به نظر می‌رسد حق بر محیط زیست سالم، که به عنوان یکی از مصادیق مقوله‌ی سوم حقوق بشر یا حقوق هم‌بستگی به شمار می‌آید، را بتوان از مصادیق روی‌کرد انسان‌محوری محض انگاشت.^۳

۲ **روی‌کرد انسان‌محوری^۴** - برخلاف روی‌کرد انسان‌محوری محض و سخت، در این روی‌کرد، انسان به عنوان بخشی از محیط به شمار می‌آید، که باید مانند همه‌ی اشکال زندگی و بدون توجه به بهره‌ی که برای انسان دارد، مورد پشتیبانی قرار گیرد. در این شیوه‌ی برداشت، انسان در کنار موجودات دیگر قرار می‌گیرد.

۳ **عدالت زیست‌محیطی^۵** - عدالت زیست‌محیطی بر سه جنبه‌ی عدالت میان انسان‌ها در تقسیم بهره‌مندی از محیط زیست، عدالت میان نسل‌های کنونی و آینده‌ی بشریت، و عدالت میان گونه‌ها (انسان و دیگر گونه‌ها) تأکید دارد؛ بدین ترتیب، در روی‌کرد زیست‌محوری، احترام به محیط زیست، تنها به خاطر خود محیط زیست، و نه به خاطر سودی که برای انسان دارد، صورت می‌گیرد. زنان با داشتن بیش از نیمی از جمعیت جهان و توانایی انجام نقش‌های گوناگون در جامعه، می‌توانند افزون بر تکالیف خانوادگی، در حرکت‌های اجتماعی، که یکی از جنبه‌های

¹ Kiss, Alexandre-Charles, and Jean-Pierre Beurier

² Anthropocentrisme

³ حقوق‌دانان غربی، حقوق بشر را با الهام از میثاقین، به مقوله‌ی اول یا حقوق آزادی‌ها، مقوله‌ی دوم یا حقوق برابری، و مقوله‌ی سوم یا حقوق هم‌بستگی (برادری) تقسیم کرده‌اند. برخلاف دو مقوله‌ی دیگر، دستیابی به مقوله‌ی سوم حقوق بشر، افزون بر قابل‌استناد و قابل‌مطالبه بودن از دولت‌ها، نیازمند کار و کوشش همه‌ی افراد، دولت‌ها، واحدهای عمومی و خصوصی، و کل جامعه‌ی بین‌المللی است. حق بر محیط زیست سالم، یکی از مصادیق مهم این مقوله است و بر مشارکت جمعی همه‌ی بازی‌گران ملی و بین‌المللی و نیز حق و تکلیف آن‌ها دلالت دارد. برای آگاهی بیشتر بنگرید به اوریه وارگاس* (۱۹۸۴).

* Uribe Vargas, Diego

⁴ Ecocentrisme

⁵ Justice environnementale



آن هم‌کاری در نگاه‌داری از محیط زیست است، نقش‌آفرینی کنند؛ هرچند که به‌رغم برخورداری از توان‌مندی‌های بالا، در گستره‌ی سیاسی و اقتصادی، هم‌پایه‌ی مردان به شمار نمی‌آیند و برای نمونه، ۷۰ درصد زنان جهان فقیر، و کم‌تر از ۲ درصد آن‌ها دارای زمین اند. از نظر مشارکت در امور سیاسی نیز باید گفت که تنها ۱۶ درصد از اعضای پارلمان‌ها، و کم‌تر از ۱۰ درصد از کل اداره‌کنندگان کشور یا دولت را زنان تشکیل می‌دهند (وب‌گاه انجمن Adéquations^۱ ۲۰۰۹)؛ بنا بر این، آشکار است که توان‌مندی‌های بودپذیر زنان و مشارکت آن‌ها در امور مختلف، به عنوان نیروهای انسانی و منابع توسعه‌ی پای‌دار، در برنامه‌ریزی‌های کلان، کم‌رنگ و حاشیه‌ی است.

ماهیت محیط زیست و عناصر آن، پیوندی تنگاتنگ با یک‌دیگر دارند و به دلیل آن که مرزهای سیاسی برای عناصر زیست‌محیطی معنا و مفهومی ندارد، نگاه‌داری از آن‌ها نیازمند هم‌کاری میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی است. منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست، همان منابع حقوق بین‌الملل عمومی^۲ است، که رشته‌ی بین‌الدولی به شمار می‌آید و بر روابط میان تابعان این حقوق حاکم است. بدون تردید، دگرگونی‌های اخیر جامعه‌ی بین‌المللی، موجب گسترش و بالا رفتن موازین حقوق بشر و دگرگونی‌هایی بنیادین (ایجاد مراجع کیفری ویژه و همیشگی، و نیز گسترش و بالا رفتن موازین حقوق بشر) شده‌است، که فاصله‌گیری از ساختار و سنت وستفالیایی حقوق بین‌الملل را نشان می‌دهد. اکنون باید دید آیا افراد (زنان) می‌توانند در کنار دیگر تابعان این حقوق جای‌گاهی داشته‌باشند یا خیر. فرضیه‌ی پژوهش حاضر این است که زنان، نقشی مهم در نگاه‌داری از محیط زیست بازی می‌کنند، پس به منظور اثبات این فرضیه، تنها مشارکت و نقش زنان در حقوق بین‌الملل محیط زیست، و نه دیگر دگرگونی‌های مهم حقوق بین‌الملل درباره‌ی زنان، در دستور کار قرار می‌گیرد. انتخاب این موضوع نیز امری آگاهانه است، زیرا زنان، به عنوان یک گروه اجتماعی مؤثر، از نقشی به‌سزا در اجرا و نظارت بر هنجارهای زیست‌محیطی برخوردار اند و مطالعه‌ی اسناد مختلف زیست‌محیطی، بیان‌گر اهمیت کارکرد و نقش محوری ایشان در این حوزه است؛ پس جهت شناخت بیشتر موضوع در گستره‌ی بین‌المللی، نخست به تلاش‌های جهانی، به منظور مشارکت زنان در نگاه‌داری از محیط زیست، و سپس به سهم زنان در دستیابی به توسعه‌ی پای‌دار پرداخته‌خواهد شد.

^۱ Site de l'Association Adéquations

^۲ به نظر بیش‌تر حقوق‌دانان، ماده‌ی ۳۸ اساس‌نامه‌ی دیوان بین‌المللی دادگستری، منابع شکی حقوق بین‌الملل عمومی، شامل معاهدات، اصول کلی حقوق، عرف بین‌المللی، تصمیم‌های قضایی بین‌المللی، آموزه‌های علمای حقوق، و اصل عدل و انصاف، را بخشی از این منابع می‌داند. این منابع، منابع سنتی حقوق بین‌الملل اند. منابع جدیدی چون قطع‌نامه‌های سازمان‌های بین‌المللی و اعمال یک‌جانبه‌ی کشورها وجود دارد، که در این ماده گنجانده‌نمی‌شوند.

تلاش‌های جهانی برای مشارکت زنان در نگاه‌داری از محیط زیست

سازمان ملل متحد، از آغاز پایه‌گذاری تا کنون، درباره‌ی حقوق زنان، در بستر کلی رعایت احترام به حقوق بشر، تلاش‌هایی خاص را انجام داده‌است، که به منظور درک بیشتر موضوع، نخست به نقش سازمان ملل متحد در بالا بردن جای‌گاه زن، و سپس به مشارکت زنان در اسناد زیست‌محیطی پرداخته‌خواهد شد.

نقش سازمان ملل متحد در هموارسازی و افزایش مشارکت زنان در نگاه‌داری از محیط زیست

اصل برابری یا نبود نابرابری، به دلیل آن که یکی از اصول بنیادین حقوق بشر به شمار می‌آید، در اسناد مختلف بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته‌است و «منشور ملل متحد»^۱ نیز در پیش‌گفتار و مواد ۱، ۸، ۱۳، ۵۵ و ۷۶، اصل نبود نابرابری میان مردان و زنان را مورد توجه قرار می‌دهد (سازمان ملل متحد ۱۹۴۵). سازمان ملل متحد، برای دستیابی به اهداف و اصول تعیین‌شده در منشور، از همان ابتدای موجودیت خود، به پایه‌گذاری کارگروه فرعی در زمینه‌ی شرایط زنان، برگزاری گردهم‌آیی‌هایی پرشمار، و تصویب اسناد گوناگون پرداخت، که همه‌ی این تلاش‌ها، بیان‌گر باور و عزم استوار سازمان برای ممنوعیت نابرابری میان زنان و مردان است. با آغاز تلاش‌های اجتماعی زنان، مبارزات جنبش‌های فمینیستی در دهه‌ی ۷۰، و تقویت تلاش‌های جهانی، آثار آن در اسناد مهم بین‌المللی، چون «پیمان جهانی حذف هر گونه نابرابری نسبت به زنان»^۲ (دفتر نماینده‌ی عالی‌رتبه‌ی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر^۳ ۱۹۷۹) آشکار شد. این پیمان، به منظور پشتیبانی از حقوق زنان، دولت‌ها را متعهد به در پیش گرفتن راه‌کارهای زیر می‌کند:

- ۱ گنجاندن مقررات شکل‌گرفته بر پایه‌ی برابری زن و مرد در قوانین اساسی
- ۲ تصویب تدابیر قانونی و دیگر تدابیر متناسب
- ۳ پشتیبانی قضایی و تضمین حقوق برابر زن و مرد در مراجع مختلف قضایی
- ۴ پرهیز از هر گونه عمل نابرابرگرا نسبت به زنان، و رعایت آن به وسیله‌ی مقامات و نهادهای عمومی
- ۵ در پیش گرفتن تدابیر مناسب برای از میان بردن هر گونه نابرابری نسبت به زنان، به وسیله‌ی شخص، سازمان، یا مؤسسه

^۱ "Charter of the United Nations"

^۲ "Convention on the Elimination of all Forms of Discrimination against Women"

^۳ Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights



۶ در پیش گرفتن تدابیر مناسب برای به‌بود یا بی‌اعتبار کردن قوانین و مقررات،

عرف، و یا رویه‌ی دربردارنده‌ی نابرابری نسبت به زنان

۷ بی‌اعتبار کردن مقررات کیفری دربردارنده‌ی نابرابری نسبت به زنان.

اسناد مصوب گردهم‌آیی‌های جهانی زنان (۱۹۷۵ مکزیکو^۱، ۱۹۸۰ کوپن‌هاگ^۲، ۱۹۸۵ نایروبی^۳، و ۱۹۹۵ پکن^۴)، که به منظور دستیابی به حقوق بنیادین زنان صورت گرفته، بیش‌تر، حقوق حمایتی از زنان را مورد توجه قرار داده و به مشارکت زنان در نگاه‌داری از محیط زیست توجهی خاص نکرده‌است. منشور ملل متحد نیز، اگرچه به‌روشنی، از حقوق اساسی بشر و اصل برابری و نبود نابرابری زنان و مردان سخن می‌گوید، به موضوع محیط زیست، به گونه‌ی مستقیم، اشاره‌ی نمی‌کند؛ زیرا در زمان پایه‌گذاری سازمان ملل متحد، محیط زیست، اهمیت امروزی را نداشت و در واقع، حوادث گوناگون زیست‌محیطی، مثل زیر آب رفتن نفت‌کش‌ها (توری کانیون^۵ و آموکو کادیز^۶) و نقش افکار عمومی، سبب توجه ملل متحد و بین‌المللی شدن موضوع محیط زیست در دهه‌ی ۷۰ شد.

سازمان ملل متحد، برای رویارویی با مشکلات زیست‌محیطی، در سال ۱۹۷۲ گردهم‌آیی محیط زیست بشر^۷ را در استوک‌هولم، و در سال ۱۹۹۲ گردهم‌آیی محیط زیست و توسعه^۸ را در ریو دو ژانیرو برگزار کرد و شکل‌گیری و شکوفایی حقوق بین‌الملل محیط زیست، با این دو گردهم‌آیی و اصول پیش‌بینی‌شده در آن، که نقشی مهم را در توسعه‌ی این رشته بازی کردند، آغاز شد. غیر از این دو گردهم‌آیی مهم، باید به «اعلامیه‌ی نشست جهانی توسعه‌ی پای‌دار»^۹ در سال ۲۰۰۲ در ژوهانس‌بورگ نیز اشاره کرد، که در آن، به‌روشنی، اعلام شد «توسعه‌ی اقتصادی، توسعه‌ی اجتماعی، و نگاه‌داری از محیط زیست، پایه و کامل‌کننده‌ی توسعه‌ی پای‌دار به شمار می‌آیند.» (سازمان ملل متحد ۲۰۰۲، بند ۵).

با توجه به تلاش‌هایی که سازمان ملل متحد، هم در زمینه‌ی زنان و هم در زمینه‌ی محیط زیست انجام داده، پرسش اصلی این است که نقش زنان و مشارکت آن‌ها در نگاه‌داری محیط زیست، در هر یک از اسناد تنظیم‌شده زیر نظر سازمان ملل متحد، چه‌گونه بازتاب یافته‌است؛ اسنادی که به گونه‌ی خاص، به زنان مربوط است و با خودداری از

¹ The 1st World Conference on Women, 19 June–2 July 1975, Mexico City, Mexico

² The 2nd World Conference on Women, 14–30 July 1980, Copenhagen, Denmark

³ The 3rd World Conference on Women, 15–27 July 1985, Nairobi, Kenya

⁴ The 4th World Conference on Women, 4–15 September 1995, Beijing, China

⁵ Torrey Canyon

⁶ Amoco Cadiz

⁷ United Nations Conference on the Human Environment, 5–16 June 1972, Stockholm, Sweden

⁸ United Nations Conference on Environment and Development (UNCED or Earth Summit 1992), 3–14 June 1992, Rio de Janeiro, Brazil

⁹ The World Summit on Sustainable Development (WSSD or Earth Summit 2002), 26 August–4 September 2002, Johannesburg, South Africa

¹⁰ "Report of the World Summit on Sustainable Development."

پرداختن به مسائل محیط زیست، بیش‌تر به موضوعاتی در زمینه‌ی رفع نابرابری و حقوق حمایتی زنان اشاره می‌کند.

در چهارمین گردهم‌آیی جهانی زنان، که در سال ۱۹۹۵ در پکن برگزار شد، موضوع محیط زیست مورد توجه قرار گرفت. بند ۱۶ «اعلامیه‌ی پکن»^۱ می‌گوید «مشارکت زنان در توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی، برابری شانس، و مشارکت کامل، بر پایه‌ی برابری میان زنان و مردان، بخشی از شرایط اساسی از میان بردن فقر، به وسیله‌ی رشد اقتصادی، توسعه‌ی اجتماعی، نگاه‌داری از محیط زیست، و عدالت اجتماعی است» (سازمان ملل متحد ۱۹۹۶: ۳). در بند ۳۶ اعلامیه نیز آمده‌است «ما [دولت‌های شرکت‌کننده] عمیقاً بر این باور ایم که توسعه‌ی اقتصادی، توسعه‌ی اجتماعی، و نگاه‌داری از محیط زیست، عناصر وابسته و مشترک توسعه‌ی پای‌دار اند [...]». توسعه‌ی اجتماعی عادلانه، به فقرا، به‌ویژه به زنان فقیر، اجازه می‌دهد از منابع طبیعی تجدیدپذیر، که بستری لازم برای توسعه‌ی پای‌دار به شمار می‌آیند، استفاده کنند» (همان: ۵)؛ بدین ترتیب، نگاه‌داری از محیط زیست، در کنار توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی زنان و در قالب توسعه‌ی پای‌دار، مورد توجه قرار گرفته‌است و برای از میان بردن فقر زنان، مشارکت آن‌ها، به صورت برابر، در همه‌ی گستره‌ها ضروری است. افزون بر اعلامیه، «برنامه‌ی کار پکن»^۲ با ۱۲ بند و زیر عنوان «اهداف راه‌بردی و تدابیر درپیش‌گرفته»^۳، به موضوعاتی مانند فقر، آموزش، بهداشت زنان، خشونت نسبت زنان، زنان و جنگ‌های مسلحانه، زنان و اقتصاد، زنان و تصمیم‌گیری‌ها، سازوکارهای نهادین مسئول آسان‌سازی به‌بود موقعیت زنان، حقوق بنیادین زنان، زنان و مطبوعات، زنان و محیط زیست، و دخترپچه‌ها پرداخته‌است (همان).

بند ۱۱ «برنامه‌ی کار پکن»، که به محیط زیست اختصاص یافته‌است، همراه با تأیید دوباره‌ی گردهم‌آیی «محیط زیست و توسعه‌ی ریو» و «دستور کار ۲۱»^۴ (سازمان ملل متحد ۱۹۹۲a)، به نقش‌های گوناگون زنان در روش‌های مصرف، تولید، و مدیریت منابع طبیعی پای‌دار اشاره می‌کند و بر تعهد دولت‌ها نسبت به تعریف الگویی تازه از توسعه، که در آن هم بر پای‌داری محیط زیست و هم بر برابری جنسیت‌ها، بر پایه‌ی عدالت نسلی و عدالت بین‌نسلی. آمده در فصل ۲۴ «دستور کار ۲۱» تأکید شده‌است، پافشاری می‌ورزد. یکی از اصلی‌ترین موضوعات «برنامه‌ی کار پکن»، نگرانی از مشارکت نکردن زنان در تصمیم‌گیری‌ها است. این نگرانی، در بند ۲۴۹ «برنامه‌ی کار پکن»، بدین صورت گفته شده‌است که «زنان،

¹ Beijing Declaration

² Platform for Action

در پایان گردهم‌آیی‌هایی بین‌المللی، اسنادی با عنوان «برنامه‌ی کار» تدوین می‌شود که در حوزه‌ی محیط زیست بسیار معمول است.

³ Strategic Objectives and Actions

⁴ Agenda 21 Earth Summit: United Nations Program of Action from Rio



عموماً، در شکل‌گیری سیاست‌ها یا تصمیم‌گیری در قلمروی مدیریت، نگاه‌داری از منابع طبیعی تجدیدپذیر، و محیط زیست مشارکت ندارند و سازمان‌های تصمیم‌گیرنده، مؤسسه‌های آموزشی، و سازمان‌های وابسته به آن‌ها، بسیار کم، از تجربه‌ها و شایستگی‌های مربوط به به‌بود مدیریت منابع طبیعی استفاده می‌کنند» (سازمان ملل متحد ۱۹۹۶:۱۰۴). «برنامه‌ی کار پکن» برای پاسخ‌گویی به این مشکل و ارزش نهادن به مشارکت زنان در نگاه‌داری و مدیریت منابع طبیعی و نگاه‌داری از محیط زیست، به دولت‌ها و دیگر بازی‌گران این گستره سفارش می‌کند که سیاستی فعال و روشن درباره‌ی گنجاندن موضوع برابری میان جنسیت‌ها در همه‌ی برنامه‌ها در پیش گیرند و در صورت نیاز، پیش از تصمیم‌گیری، پی‌آمدهای این سیاست‌ها و برنامه‌ها را بر زنان و مردان مورد تجزیه و تحلیل قرار دهند. در ادامه، به منظور تضمین مشارکت فعالانه‌ی هرچه‌بیش‌تر زنان در تصمیم‌گیری‌های مربوط به محیط زیست، برنامه‌ی کار یادشده، به مقام‌های عمومی، دولت‌ها، سازمان بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی، و بخش خصوصی، پیشنهادهایی را ارائه می‌کند:

- ۱ فراهم کردن امکان مشارکت زنان، به‌ویژه زنان بومی، در تصمیم‌گیری مربوط به محیط زیست، در همه‌ی سطوح، به‌ویژه در مورد مدیریت، طراحی، اجرا، و ارزیابی طرح‌های مربوط به محیط زیست.
- ۲ فراهم کردن دسترسی آسان‌تر و هرچه‌بیش‌تر زنان به داده‌ها و آموزش، به‌ویژه در زمینه‌ی علوم، فن‌آوری، و اقتصاد، به‌ترتیبی که زنان بتوانند دانستنی‌ها، شایستگی‌ها، و توانایی‌های خود را برای مشارکت در تصمیم‌های مربوط به محیط زیست به‌بود بخشند.
- ۳ درپیش‌گیری تدابیری که به زنان این امکان را بدهد تا به‌عنوان تولیدکننده و مصرف‌کننده، همانند مردان، بتوانند در محل زندگی، محل گردهم‌آیی، و محل کار، به سود محیط زیست اقدام کنند.
- ۴ فراهم کردن راه‌بردها و به اجرا گذاشتن سازوکارها، به‌ویژه در سطح محلی، برای افزایش سهم زنان در تهیه، تصویب، و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریت منابع طبیعی، و نیز نگاه‌داری از محیط زیست، به‌عنوان تصمیم‌گیر، طراح، مدیر، متخصص، مشاور فنی، و بهره‌گیرنده این سیاست‌ها و برنامه‌ها.
- ۵ هم‌آهنگ کردن افکار عمومی، نسبت به مسائل محیط زیست و مدیریت منابع طبیعی، که زنان در آن بهره‌گیرنده‌اند.

۶ آسان‌سازی دسترسی زنان به بخش‌های کشاورزی، ماهی‌گیری، و دام‌داری، و آموزش مهارت‌های نگاه‌دارنده‌ی محیط زیست، به منظور پشتیبانی و تقویت نقش تعیین‌کننده‌ی که زنان در قلمرو مدیریت منابع و نگاه‌داری از گونه‌های زیستی به عهده دارند.

همه‌ی کارهای بین‌المللی انجام‌شده در چهارچوب سازمان ملل متحد در حوزه‌ی حقوق زنان و محیط زیست، به منظور رعایت احترام به ارزش‌هایی مشترک است که این سازمان، به عنوان یک سازمان جهان‌شمول، داعیه‌ی به‌بود موقعیت آن را دارد. در همین راستا، «اعلامیه‌ی سران نشست هزاره»^۱ در سال ۲۰۰۰ نیز، دست به تعیین مجموعه‌ی از اهداف و دامنه‌ی گسترده از تعهدات کرده‌است، که در میان آن‌ها، نگاه‌داری از محیط زیست مشترک، در کنار اهدافی چون صلح، امنیت، خلع سلاح، توسعه، از میان بردن فقر، حقوق بشر، مردم‌سالاری، و به‌زمام‌داری^۲ قرار می‌گیرد. این اعلامیه، در بخش مربوط به توسعه و از میان بردن فقر درباره‌ی زنان، به موضوع افزایش برابری جنسیتی، به عنوان وسیله‌ی مؤثر برای مبارزه با فقر، گرسنگی، و بیماری، و نیز افزایش توسعه‌ی واقعاً پای‌دار اشاره می‌کند؛ هم‌چنین، در بخش مربوط به حقوق بشر، مردم‌سالاری، و به‌زمام‌داری، مبارزه علیه همه‌ی اشکال خشونت نسبت به زنان و اجرای پیمان ۱۹۷۹ را مورد شناسایی قرار می‌دهد (سازمان ملل متحد ۲۰۰۰).

در نشست ۲۰۰۲ ژوهانس‌بورگ نیز، که برای توسعه‌ی پای‌دار تشکیل شده‌بود، بار دیگر، اهداف نشست سران مورد تأیید قرار گرفت و در واقع، هدف اصلی این نشست، ارزیابی پیش‌رفت اجرای نتایج «گردهم‌آیی ریو»، به‌ویژه، «دستور کار ۲۱» و ارزیابی تعهدات کشورها درباره‌ی تدوین و تصویب راه‌بردهای توسعه‌ی پای‌دار ملی بود؛ به عبارت دیگر، این نشست، بیش‌تر، در پی اجرایی کردن تصمیم‌های گرفته‌شده بود.

نمایش نقش مشارکت زنان در اسناد زیست‌محیطی

همان گونه که پیش از این گفته‌شد، منابع حقوق بین‌الملل محیط زیست، همان منابع سنتی حقوق بین‌الملل عمومی است و افزون بر این منابع، باید از توصیه‌نامه‌ها، قطع‌نامه‌ها، و اعلامیه‌های سازمان‌های بین‌المللی، یا به طور کلی، از اسناد نهایی گردهم‌آیی‌های بین‌المللی یاد کرد، که نقشی مهم در حقوق بین‌الملل محیط زیست بازی می‌کنند.

^۱ "Resolution Adopted by the General Assembly; United Nations Millennium Declaration."

^۲ Bonne gouvernance



از نظر ماهیت حقوقی، اسناد مصوب گردهم‌آیی‌های بین‌المللی، به‌ویژه در شکل قطع‌نامه یا اعلامیه، معمولاً بدون ضمانت اجرایی اند؛ به عبارت دیگر، حقوق بین‌الملل محیط زیست، به دلیل نداشتن ضمانت اجرایی نیرومند، مکانی مناسب برای پیدایش و آشکار شدن حقوق قوام‌نیافته^۱ است. در عالم حقوق، اقتدار یک هنجار، دنباله‌روی روش پیدایش آن است، و همین روش است که نیروی هنجار را در برابر مخاطبین‌اش تعیین می‌کند؛ پس با این دید، باید صورت^۲ و محتوا^۳ را از یک‌دیگر جدا کرد. بر پایه‌ی این جدایی، تنها، اصول گنجانده در پیمان‌ها، هنجار حقوقی، و دارای قدرت الزامی برای پدیدآوردندگان آن به شمار می‌آیند و اصولی که در اعلامیه‌ها نوشته‌می‌شود، بدون ارزش حقوقی است؛ با این وجود، در حقوق بین‌الملل محیط زیست، اعلامیه، قالبی مناسب برای شکل دادن این اصول و پیدایش حقوق قوام‌نیافته است؛ حقوقی که با گسترش حقوق قوام‌یافته^۴ در قلمروهایی که این حقوق در آن پیش‌رفتی نداشته‌اند، سبب گسترش حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌شود. اسنادی که به گونه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم، به نقش زنان در حقوق بین‌الملل محیط زیست می‌پردازد، بیش‌تر، دست‌آورد اسناد غیرالزام‌آور است. از آن‌جا که اجرا و کنترل مقررات زیست‌محیطی نیازمند مشارکت همه‌ی بازی‌گران گستره‌ی بین‌المللی است، بازی‌گران حقوق محیط زیست، نسبت به دیگر رشته‌های حقوق بین‌الملل، دارای گوناگونی بیش‌تری اند. تفاوت حقوق بین‌الملل محیط زیست از دیگر رشته‌های حقوق بین‌الملل، به وجود بسیاری از اصول نامشخص و غیرالزام‌آور در این شاخه از حقوق مربوط می‌شود، که شاید بتوان دلیل آن را ماهیت خود حقوق بین‌الملل محیط زیست دانست، که از یک ضمانت اجرایی نیرومند بی‌بهره است. اصولی چون اصل پیش‌گیری، اصل احتیاط، اصل آلوده‌ساز-پرداخت‌کننده، و اصل مشارکت، جملگی اصول تشکیل‌دهنده‌ی تار و پود اساسی حقوق بین‌الملل محیط زیست به شمار می‌آیند و در میان این اصول، اصل مشارکت از جای‌گاهی والا برخوردار است؛ زیرا ماهیت این رشته، خواستار شرکت همه‌ی بازی‌گران است. «اعلامیه‌ی ریو»^۵ (سازمان ملل متحد ۱۹۹۲b) و «دستور کار ۲۱» (سازمان ملل متحد ۱۹۹۲a)، بیش از دیگر اسناد، ضمانت‌کننده‌ی عناصری است که سبب تقویت مردم‌سالاری مشارکتی و استوارسازی نقش گروه‌های عمده‌ی اجتماعی برای دستیابی به اهداف سیاست‌ها، و سازوکارهای اجرایی در مورد محیط زیست می‌شود. اصل ۱۰ «اعلامیه‌ی ریو» می‌گوید «بهتر است مسائل مربوط به محیط زیست، با مشارکت همه‌ی شهروندان، در

¹ Soft Law

² Instrumentum

³ Negotium

⁴ Hard Law

⁵ "Rio Declaration on Environment and Development."

سطحی مناسب، مورد بررسی قرار گیرد. در سطح ملی، هر فرد باید کاملاً به داده‌هایی که مقامات عمومی در مورد محیط زیست در اختیار دارند، مانند داده‌های مربوط به مواد و فعالیت‌های خطرناک در منطقه، دسترسی داشته‌باشد و در روند تصمیم‌گیری مشارکت کند؛ همچنین، دولت‌ها باید با دادن آگاهی به مردم، حساسیت و مشارکت عموم را آسان، و تشویق کنند. دستیابی و دسترسی مؤثر به مراجع قضایی و اداری و راه‌کارهایی چون مجازات و جبران خسارت نیز باید تضمین شود.» (سازمان ملل متحد ۱۹۹۲b).

بی‌تردید، به‌کارگیری واژه‌هایی چون «مشارکت همه‌ی شهروندان»، «هر فرد»، «مردم»، و «مشارکت عموم»، زنان را در گستره‌ی اصل ۱۰ قرار می‌دهد و زنان نیز از حق دسترسی به داده‌های زیست‌محیطی، مشارکت در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری، و دسترسی به مراجع اداری و قضایی در گستره‌ی محیط زیست برخوردار اند. دسترسی عموم به داده‌ها و مشارکت آن‌ها، تنها مخصوص قانون‌گذاری در گستره‌ی محیط زیست نمی‌شود و این حق، پیش از هر چیز، موضوعی مربوط به دولت و شهروندان است، که در همه‌ی سامانه‌های مردم‌سالار وجود دارد؛ از سوی دیگر، رعایت این حق برای شهروندان، نشانه‌ی توجه دولت‌مردان به کثرت‌گرایی، هم‌کاری مردم در اداره‌ی امور کشور، و حق تعیین سرنوشت‌شان است. اگرچه اصل ۱۰ اعلامیه، آشکارا، به مشارکت زنان اشاره‌ی نمی‌کند، در اصل ۲۰ همین سند می‌گوید «زنان نقشی حیاتی در مدیریت محیط زیست و توسعه دارند؛ بنا بر این، مشارکت کامل آن‌ها برای دستیابی به توسعه‌ی پای‌دار، اساسی است.» (سازمان ملل متحد ۱۹۹۲b).

دومین سند مربوط به مشارکت زنان، «دستور کار ۲۱» (سازمان ملل متحد ۱۹۹۲a) است. این دستور کار، یکی از مهم‌ترین اسنادی است که در «گردهم‌آیی ریو» به تصویب رسید و مانند نقشه‌ی راهی است که باید در آستانه‌ی قرن ۲۱ و در راستای نگاه‌داری از محیط زیست مورد توجه قرار گیرد. «دستور کار ۲۱»، در پی اجرایی کردن اصول گنجانده در «اعلامیه ریو» است و به همین سبب دربرگیرنده‌ی ۴۰ فصل است، که در طی، آن ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، نگاه‌داری و مدیریت منابع، تقویت نقش گروه‌های اصلی، و وسایل و سازوکارهای اجرایی، به تفصیل، مورد توجه قرار گرفته‌است. فصل ۲۳ این دستور کار، مربوط به تقویت نقش گروه‌های عمده است و بر تعهد و مشارکت جدی همه‌ی گروه‌های اجتماعی در دستیابی به اهداف، سیاست‌ها، و سازوکارها تأکید دارد.

یکی از پیش‌شرط‌های بنیادین برای دستیابی به توسعه‌ی پای‌دار، مشارکت گسترده‌ی گروه‌ها یا بازی‌گرانی چون زنان، جوانان، افراد بومی، جمعیت‌های محلی، انجمن‌های صنفی



کشاورزان، دانشمندان و سازمان‌های غیردولتی است. این افراد می‌توانند به صورت فردی و یا به شکل جمعیت‌های محلی، انجمن‌های صنفی، و سازمان‌های غیردولتی، در نگاه‌داری از محیط زیست مشارکت کنند؛ پس بر پایه‌ی آنچه گفته‌شد، رسیدن به توسعه‌ی پای‌دار در جامعه، در گروهی هم‌آهنگی سه محور بزرگ توسعه‌ی اقتصادی، نگاه‌داری از محیط زیست، و عدالت اجتماعی است و دسترسی به این هم‌آهنگی نیز در گروهی مشارکت و گفت‌وگوی همه‌ی بازی‌گران، از جمله زنان، است.

سهام زنان در دستیابی به توسعه‌ی پای‌دار

جامعه‌ی بین‌المللی، با توجه به نقش کلیدی زنان در نگاه‌داری از محیط زیست، تلاشی بسیار کرده‌است تا حضور آن‌ها را بیش از پیش پررنگ کند و در این راستا، دولت‌ها نیز با متعهد شدن به اسناد بین‌المللی. مرتبط، تلاش‌هایی را انجام داده‌اند، که به گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم، در خدمت توسعه‌ی پای‌دار بوده‌است.

نقش آفرینی زنان در دستیابی به توسعه‌ی پای‌دار

توسعه‌ی پای‌دار مفهومی است که در حقوق بین‌الملل محیط زیست بسیار به کار می‌رود. این اصطلاح برای اولین بار در «گزارش برونتلان»^۱، با عنوان «آینده‌ی مشترک ما»^۲، که در سال ۱۹۸۷ منتشر شد، به کار رفته‌است (کارگروه جهانی محیط زیست و توسعه^۳ ۱۹۸۷). بر پایه‌ی این گزارش، توسعه‌ی پای‌دار به توسعه‌ی گفته‌می‌شود که نیازهای مربوط به نسل‌های کنونی و آینده را فراهم کند. این تعریف، در اصل سوم «اعلامیه‌ی ریو» به این صورت آمده‌است که «توسعه باید به ترتیبی امکان‌پذیر شود که نیازهای مربوط به توسعه و محیط زیست نسل‌های کنونی و آینده را فراهم کند.» (سازمان ملل متحد ۱۹۹۲b). در اصل چهارم اعلامیه نیز آمده‌است «برای دستیابی به توسعه‌ی پای‌دار، فرآیند توسعه باید تضمین‌کننده‌ی نگاه‌داری از محیط زیست باشد و نمی‌تواند از آن جدا شود.» (همان). اصل ۲۵ همین اعلامیه نیز، بدین صورت بر پیوند محیط زیست و توسعه تأکید می‌کند که «صلح، توسعه، و محیط زیست، یک وابستگی دوسویه دارند و جدایی‌ناپذیر اند.» (همان).

اکنون باید دید که زنان چه‌گونه می‌توانند در دستیابی به توسعه پای‌دار هم‌کاری کنند و آیا از این نظر، تفاوتی میان زنان کشورهای درحال توسعه و زنان کشورهای

^۱ Brundtland, Gro Harlem (1939-), Prime Minister of Norway (1990-1996), Director-General of World Health Organization (1998-2003)

^۲ "Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future."

^۳ World Commission on Environment and Development

پیش‌رفته وجود دارد یا خیر. پاسخ به این پرسش‌ها به عواملی مختلف بستگی دارد و به همین جهت امکان دارد مشارکت زنان در توسعه‌ی پای‌دار، در کشورهای گوناگون، متفاوت باشد؛ برای مثال، در کشور آفریقای توگو^۱، حدود ۷۵ درصد از جمعیت این کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کنند و تنها ۲۵ درصد از جمعیت آن شهرنشین‌اند؛ بر این اساس، میان کشورهای گوناگون، از نظر تراکم جمعیتی در شهرها و روستاها اختلاف وجود دارد و بدین سبب، این مشارکت در کشورهای مختلف، متفاوت است.

دوگانگی نقش زنان در حوزه‌ی محیط زیست، در دو شکل مشارکت زنان در محیط روستا (در کشورهای درحال توسعه) و همچنین مشارکت آن‌ها در به‌بود الگوی مصرف (در کشورهای توسعه‌یافته) مطرح می‌شود. تردیدی نیست که در هر حالت، زنان همیشه با محیط زیست پیوندی نزدیک دارند و این امر موجب می‌شود تا بتوانند به گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم، بر محیط زیست خود تأثیر بگذارند؛ پس با توجه به این موضوع، باید دید چه‌گونه می‌توان بستر دست‌یابی به توسعه‌ی پای‌دار به وسیله‌ی زنان را فراهم کرد و یا به عبارت دیگر، در چه زمینه‌هایی موقعیتی مناسب‌تر برای مشارکت زنان در توسعه‌ی پای‌دار وجود دارد.

به دلیل آن که فرهنگ‌سازی اولیه و پرورش و تربیت کودکان به وسیله‌ی مادر صورت می‌گیرد و نقش وی در این مرحله برای هیچ کس پوشیده نیست، می‌توان امیدوار بود که کم‌کم، باورهای زیست‌محیطی در جامعه نهادینه شود و از همان سال‌های آغازین تولد، کودک با فرهنگ نگاه‌داری از محیط زیست آشنا شود.

دومین نقش مهم زنان، با مصرف و مصرف‌گرایی پیوند دارد و آنان در مصرف و تغییر الگوی آن نقشی مهم بازی می‌کنند. نقش محوری زنان در بیش‌تر کشورهای جهان سوم بر همه آشکار است و این نقش در محیط روستا دوچندان می‌شود، زیرا زنان روستایی، افزون بر مدیریت امور خانه، دوشادوش مردان در خارج از منزل و در امور کشاورزی نیز نقش دارند. در برخی از کشورها، نقش زنان در بخشی از امور کشاورزی، حتا بیش‌تر از مردان است و به عبارت دیگر، زنان در همه‌ی مراحل کاشت، داشت، و برداشت فرآورده‌های کشاورزی، هم‌کاری فعالانه‌ی دارند و کارکرد آن‌ها در همه‌ی مراحل تولید شایان توجه است؛ برای مثال، استفاده از منابع طبیعی در فرآیندهای مختلف تولید، استفاده از سموم دفع آفات، و مانند آن، جملگی از مواردی است که زنان روستایی را در برابر انتخاب الگوی مصرف قرار می‌دهد. این موضوع در مورد زنان شهری، به اشکالی دیگر، چون استفاده‌ی بی‌اندازه از مواد شوینده و یا دفع پس‌مانده‌های خانگی نشان داده می‌شود؛ بنا بر این، زنان شهری و

^۱ Togo



روستایی در چهارچوب اشتغال در امور مختلف، در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که شیوه‌ی رفتار ایشان، به گونه‌ی مستقیم و غیرمستقیم، در محیط زیست مؤثر خواهد بود. توجه به عناصر مختلف مدیریت، برنامه‌ریزی زیست‌محیطی، شناسایی توانایی‌های زنان، و ظرفیت‌سازی نیز در دستیابی به توسعه‌ی پای‌دار مؤثر خواهد بود. فرآیند تولید و شیوه‌ی مصرف، دو عامل کلیدی نگاه‌دارنده به شمار می‌آید و به همین دلیل است که فصل ۴ «دستور کار ۲۱» درباره‌ی بهبود الگوی مصرف می‌گوید «هدف اساسی این برنامه، به‌بود الگوهای مصرف و تولید نامعقول است و اجرای آن نیازمند کوشش هم‌آهنگ دولت‌ها، مصرف‌کنندگان، و تولیدکنندگان است. باید به نقش مهم زنان و خانواده‌ها، به عنوان مصرف‌کننده و تأثیر بودپذیر قدرت خرید ایشان بر بازار توجهی ویژه کرد.» (سازمان ملل متحد ۱۹۹۲b: ۲۷.۴). وجود این نقش برای زنان و موفقیت در آن، نیازمند مدیریتی درست است، که گام نخست آن، آگاهی خود زنان نسبت به وضعیت و موقعیتی است که در آن قرار گرفته‌اند؛ اگر ایشان آگاهی‌های لازم را برای دستیابی به مدیریت درست داشته‌باشند، طبیعتاً به روش‌های تولید و مصرف خود توجهی بیش‌تر می‌کنند تا الگوهای تولید و مصرف پای‌دار را انتخاب کنند. دگرگونی در الگوی مصرف ناپای‌دار، مدیریت درست بازیافت، و به‌طور کلی، رعایت ویژگی و خصیصه‌ی «پای‌دار بودن» در استفاده و بهره‌مندی از همه‌ی مواهب طبیعی به وسیله‌ی زنان، زمانی به دست می‌آید که اطلاع‌رسانی لازم و دسترسی آسان آن‌ها به داده‌های زیست‌محیطی فراهم شود؛ پس به‌بود وضعیت توسعه‌ی پای‌دار در این سطح، نیازمند اطلاع‌رسانی لازم به وسیله‌ی مقامات شایسته است، تا زنان بتوانند با آگاهی کافی، بستر فرهنگ توسعه‌ی پای‌دار را در جامعه صورت‌بندی کنند و فعالانه برای نگاه‌داری محیط زیست گام بردارند. اکنون، تقریباً سهم زنان همه‌ی کشورها در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه و محیط زیست کم است و از این نظر دسترسی آنان به آموزش‌های لازم برای حضور و مشارکت در بخش‌های تصمیم‌گیری مهم به نظر می‌آید؛ به همین دلیل، نقش دولت‌ها، بیش از پیش، در این حوزه پررنگ می‌شود.

تکالیف دولت‌ها نسبت به زنان در حوزه‌ی توسعه‌ی پای‌دار

دولت‌ها، به عنوان تابع اولیه‌ی حقوق بین‌الملل، بزرگ‌ترین نقش را در روابط بین‌الملل بازی می‌کنند و به دلیل این که در حوزه‌ی محیط زیست نیز، این تابان، مجریان اصلی مقررات زیست‌محیطی به شمار می‌آیند، پس به منظور اجرای تعهدات خود در برابر قواعد و مقررات بین‌المللی درباره‌ی تضمین مشارکت زنان در راستای توسعه‌ی پای‌دار، باید تدابیر و

سیاست‌هایی خاص را در پیش گیرند. برای دستیابی به این هدف و مشارکت زنان در مدیریت زیست‌محیطی، دولت‌ها باید بستری مناسب را برای آن فراهم کنند تا زنان به راحتی بتوانند در شکل‌گیری، برنامه‌ریزی، و اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی فعالیت کنند. اگر دولت‌ها بتوانند، به طور جدی، همه‌ی شیوه‌های نابرابری علیه زنان را از جامعه پاک کنند، می‌توان به مشارکت زنان در حوزه‌ی توسعه‌ی پای‌دار امیدوار بود.

تکالیف دولت‌ها در این حوزه، از دو دیدگاه مشارکت مدنی و سیاسی و مشارکت اجتماعی قابل‌مطالعه و بررسی است. از دیدگاه نخست، باید در بیش‌تر کشورها تحولی اساسی در حوزه‌ی مشارکت سیاسی زنان صورت پذیرد، تا با دگرگون شدن سیمای سیاسی زنان، بتوان آن‌ها را هرچه‌بیش‌تر به سوی مشارکت فعالانه‌تر روانه کرد. گفتنی است که دسترسی به این امر، پیش از هر چیز، نیازمند بسترسازی قانونی است، تا با بهبود مقررات، موانع موجود بر سر راه حضور زنان از میان برود؛ پس رفع نابرابری از زنان، در همه‌ی اشکال آن، و حضور هرچه‌بیش‌تر آنان، به وسیله‌ی بازنگری سیاست‌ها و ارائه‌ی طرح‌ها و لوایح مناسب صورت می‌گیرد.

افزون بر رفع موانع قانونی مشارکت زنان، باید به مشارکت اجتماعی آنان نیز توجه شود؛ هرچند که با برآورده شدن مشارکت مدنی و سیاسی، مشارکت اجتماعی نیز به دست می‌آید. ایجاد زمینه‌های گوناگون آموزش زنان و مبارزه برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی، و نیز اشتغال و دسترسی ایشان به پیشه‌های گوناگون و بهداشت، مشارکت اجتماعی زنان را آسان می‌کند.

در کنار آنچه گفته شد، مشارکت نهادین زنان نیز باید مورد توجه قرار گیرد. یکی از نشانه‌های آشکار مشارکت نهادین زنان، پایه‌گذاری سازمان‌های غیردولتی آنان است، زیرا پیدایش و گسترش نهادهای مدنی در هر کشور، رشد مفهوم جامعه‌ی مدنی و توسعه‌ی عملی آن را نشان می‌دهد. پیدایش انجمن‌های پشتیبان محیط زیست و اداره‌ی آن به وسیله‌ی زنان، نه تنها نشان‌گر مشارکت مدنی و سیاسی ناشی از حق آزادی مجامع و سازمان‌ها است، بلکه نشان‌دهنده‌ی پیوند سازنده‌ی میان دولت و این سازمان‌ها خواهد بود؛ برای مثال، ایجاد یک نهاد همیشگی در ایران، با عنوان «دفتر مشارکت و آموزش همگانی محیط زیست»، که زیر نظر معاونت آموزش و پژوهش سازمان حفاظت محیط زیست فعالیت می‌کند، گامی ارزشمند است که می‌تواند موجب پیوند نهادین و نزدیک میان این سازمان و سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی شود؛ پس ایجاد شبکه‌های زیست‌محیطی. پدیدآمده از این



سازمان‌ها، بستری مناسب برای مشارکت مردمی و پویاسازی آن، به منظور نگاه‌داری از محیط زیست، به شمار می‌آید.

بررسی قوانین برنامه‌ی ایران، نشان‌دهنده‌ی روند روبه‌رشد توجه به سیاست‌های زیست‌محیطی و تقویت نقش سازمان‌های غیردولتی است. پشتیبانی از محیط زیست در برنامه‌ریزی‌های کلان کشور، از برنامه‌ی اول، آغاز، و به‌تدریج در برنامه‌های بعدی تقویت شد. از جمله مواردی که در این برنامه‌ها بدان توجهی خاص شده‌است، موضوع نگاه‌داری از محیط زیست و ایجاد سازمان‌های غیردولتی، با هدف تقویت مشارکت همه‌ی مردم در تصمیم‌گیری‌های لازم برای نظارت شایسته و پیوسته بر اجرای برنامه‌های کشور است («قانون برنامه‌ی سوم توسعه» ۱۳۷۹: ماده ۱۰۴).

برنامه‌ی سوم توسعه‌ی کشور در مورد نگاه‌داری از محیط زیست، در دو نکته خلاصه می‌شود؛ نهادینه کردن مشارکت مردم در برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری، و اجرای طرح‌ها، به منظور نگاه‌داری تعادل محیط زیست، و نیز تقویت و پشتیبانی مالی از سازمان‌های غیردولتی.

در «قانون برنامه‌ی چهارم توسعه» (۱۳۸۳)، روند توجه به موضوع محیط زیست و سازمان‌های غیردولتی، به‌تدریج، ادامه یافته، و در مواد مختلف، هم‌چون ماده‌ی ۶۴ (افزایش آگاهی‌های عمومی و دستیابی به توسعه‌ی پای‌دار، به منظور نگاه‌داری محیط زیست)، و ماده‌ی ۹۸ (مشارکت عمومی در توسعه‌ی پای‌دار و گسترش کمی و کیفی نهادهای مدنی) بدان اشاره شده‌است. این قانون، در ماده‌ی ۱۴۰ نیز، آشکارا، بر جلب مشارکت سازمان‌های غیردولتی و دیگر بخش‌های جامعه‌ی مدنی در اداره‌ی امور کشور تأکید می‌کند و به دولت اجازه می‌دهد در این راستا کارهای زیر را انجام دهد:

۱ کمک به پیدایش، توسعه، قانون‌مندی نهادهای غیردولتی لازم برای نگاه‌داری از محیط زیست، و بالا بردن استانداردهای زیست‌محیطی، بر پایه‌ی هدف‌محوری و مسئولیت‌پذیری

۲ تشکیل واحد سازمانی مناسب، برای تقویت و پشتیبانی از بخش غیردولتی، در زمینه‌های نهادسازی، آموزش، ایجاد تسهیلات، توجیه، و رفع موانع

آن‌چه از بررسی مواد مربوط به قوانین برنامه‌ی بر می‌آید، این است که این مواد، دربرگیرنده‌ی سه موضوع مهم آموزش مسائل زیست‌محیطی و اطلاع‌رسانی، نهادینه کردن مشارکت‌های مردمی و ایجاد نهادهای مدنی، و قانون‌مندی سازمان‌های غیردولتی است، که در هر حال زنان، به عنوان بخشی بزرگ از جامعه‌ی ایران، از آن‌ها بهره‌مند می‌شوند؛

چنانچه بیشتر سازمان‌های غیردولتی در حوزه‌ی محیط زیست در ایران، به وسیله‌ی جامعه‌ی زنان اداره می‌شود.

نتیجه

به منظور بالا بردن جای‌گاه زنان در جامعه‌ی بین‌المللی، تلاش‌هایی گوناگون صورت گرفته‌است، که تدوین مقررات پرشمار، گویای این واقعیت است. حقوق بین‌الملل محیط زیست نیز، در راستای اهداف خود و به سبب نقش تعیین‌کننده‌ی زنان در نگاه‌داری محیط زیست، در اسناد گوناگون، به مشارکت زنان توجهی ویژه داشته‌است. تأکید بر اهمیت نقش زنان در اسناد بین‌المللی، موجب تقویت حضور و مشارکت بیشتر ایشان می‌شود و گامی مؤثر در راستای فلسفه‌ی بنیادین نبود نابرابری و یا برابری جنسیتی به شمار می‌آید. تلاش سازمان‌های بین‌المللی، به‌ویژه سازمان ملل متحد، در مورد دو موضوع افزایش حقوق زنان و نگاه‌داری از محیط زیست، در طی دهه‌های اخیر بی‌مانند بوده‌است.

اگر چه شناسایی یک موقعیت عالی برای زنان در اسناد بین‌المللی مفید است، این امر، به‌تنهایی، کافی نیست و باید بستری مناسب برای شکوفا شدن توانایی‌ها و استعدادهای زنان در حقوق ملی فراهم شود؛ به همین منظور، دستور کارهای بین‌المللی در حوزه‌ی محیط زیست، با داشتن ابعاد گوناگون اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی، ابزاری، و اجرایی، پیش‌نهادهایی را به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ارائه می‌کنند. «دستور کار ۲۱»، یکی از مهم‌ترین دستور کارها در حوزه‌ی محیط زیست است، که با هدف برآورده‌شدن توسعه‌ی پای‌دار پدید آمده‌است و اختصاص چند فصل از فصول آن به موضوع تقویت نقش گروه‌های عمده، از جمله زنان، بیان‌گر کارکرد این گروه برای اجرای شدن اصول اعلام‌شده در «اعلامیه‌ی ریو» است.

بر پایه‌ی آنچه گفته‌شد، تقویت مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان در جامعه بسیار مهم است و باید به‌گونه‌ی عمل کرد که هواداران واقعی محیط زیست بتوانند به‌راحتی در برآورده ساختن توسعه‌ی پای‌دار هم‌کاری کنند. در همین راستا، خوش‌بختانه، «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» (۱۳۵۸) در اصل ۵۰ می‌گوید «در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست، که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه‌رشدی داشته‌باشند، وظیفه‌ی عمومی تلقی می‌گردد؛ از این رو، فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن، که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل‌جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» این اصل دارای دو سازه‌ی مهم است؛ نخست این که با طرح نسل‌های کنونی و آینده، موضوع



توسعه‌ی پای‌دار را بیان می‌کند، و دوم، با انگاشتن نگاه‌داری از محیط زیست به عنوان یک وظیفه‌ی عمومی، خواستار مشارکت همه‌ی گروه‌ها، از جمله زنان، می‌شود؛ بنا بر این، آسان‌سازی ایجاد سازمان‌های زیست‌محیطی زنان، نه تنها به معنای اجرای یکی از اصول قانون اساسی است، بلکه به عنوان اجرای یکی از تعهدات بین‌المللی ایران، در راستای برآورده‌سازی توسعه‌ی پای‌دار انگاشته می‌شود.

منابع

- «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳۵۸. «فصل چهارم: اقتصاد و امور مالی». برگرفته در ۲۰ فروردین ۱۳۸۸ (<http://tarh.majlis.ir/?ShowRule&Rid=8ad934d0-71e9-4733-8fa9-26f74d3fc1bb>).
- «قانون برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳۸۳. برگرفته در ۲۰ فروردین ۱۳۸۸ (<http://tarh.majlis.ir/?ShowRule&Rid=02704754-afee-439f-aedd-cecf8f4bad1e>).
- «قانون برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، ۱۳۷۹. برگرفته در ۲۰ فروردین ۱۳۸۸ (<http://tarh.majlis.ir/?ShowRule&Rid=5a1e8584-fa40-47d0-945a-5d6b718cad3f>).
- Kiss, Alexandre-Charles, and Jean-Pierre Beurier. 2004. *Droit international de l'environnement*. 3rd edition. Paris, France: Pedone.
- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights. 1979. "Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women New York, 18 December 1979." Retrieved 23 April 2008 (<http://www2.ohchr.org/english/law/cedaw.htm>).
- Site de l'Association Adéquations. 2009. "Chiffres et données sur les inégalités femmes-hommes: Représentation politique, emploi, salaires, démographie..." Retrieved 12 June 2009 (<http://www.adequations.org/spip.php?article363>).
- United Nations. 1945. "Charter of the United Nations." Retrieved 23 April 2008 (<http://www.un.org/en/documents/charter/>).
- United Nations. 1992a. "Agenda 21 Earth Summit: United Nations Program of Action from Rio." Retrieved 23 April 2008 (<http://www.un.org/esa/dsd/agenda21/>).
- United Nations. 1992b. "Report of the United Nations Conference on Environment and Development, Rio de Janeiro, 3–14 June 1992, Annex I: Rio Declaration on Environment and Development." Retrieved 23 April 2008 (<http://www.un.org/documents/ga/conf151/aconf15126-1annex1.htm>).
- United Nations. 1996. "Report of the Fourth World Conference on Women, Beijing, 4–15 September 1995." Retrieved 23 April 2008 (<http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N96/273/01/PDF/N9627301.pdf>).
- United Nations. 2000. "Resolution Adopted by the General Assembly; United Nations Millennium Declaration." Retrieved 23 April 2008 (<http://www.un.org/millennium/declaration/ares552e.htm>).

- United Nations. 2002. "Report of the World Summit on Sustainable Development, Johannesburg, South Africa, 26 August–4 September 2002." Retrieved 23 April 2008 (<http://daccess-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N02/636/93/PDF/N0263693.pdf>).
- Uribe Vargas, Diego. 1984. "La troisième génération des droits de l'homme." *Recueil des Cours de l'Académie de Droit International de La Haye (RCADI)* 184(1):355–376.
- World Commission on Environment and Development. 1987. "Report of the World Commission on Environment and Development: Our Common Future." Retrieved 23 April 2008 (<http://www.un-documents.net/wced-ocf.htm>).

نویسنده

دکتر محمدحسین رضانی قوام‌آبادی،

استادیار دانشکده‌ی حقوق، دانشگاه شهید بهشتی
ramazanighavam@yahoo.com

دانش‌آموخته‌ی دکترای حقوق بین‌الملل، دانشگاه پاریس ۱ پانتئون-سوربون*، فرانسه، ۱۳۸۴.
پژوهش‌های وی در زمینه‌ی حقوق بین‌الملل است و تا کنون در این زمینه چندین مقاله از وی به چاپ رسیده و مقالاتی نیز در هم‌آی‌های ملی و بین‌المللی ارائه کرده‌است.

* Université Paris 1 Panthéon-Sorbonne, Paris, France